

مطالعه فرایند برساخت فهم جنسی در دختران نوجوان شهر اصفهان

بهجت حاجیان^۱، وحید قاسمی^{۲*}، علی ربانی^۳، عفت السادات مرقاتی خویی^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مطالعه فرایند برساخت فهم جنسی دختران نوجوان شهر اصفهان پس از مواجهه با دنیای جنسی است. این پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای و در رویکرد برساخت‌گرایانه اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، دختران نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان بودند و با روش نمونه‌گیری هدفمند متوالی شامل نمونه‌گیری گلوله‌برفی و نظری به بررسی فرایند فهم جنسی در تجربه‌زیسته آنان از اولین مواجهه با دنیای جنسی تا کنون پرداخته شده است. تکنیک استفاده‌شده در پژوهش مصاحبه‌های انباشتی و روایت‌گونه بود که با اجرای ۳ مصاحبه مقدماتی و ۲۴ مصاحبه نهایی ما را به سمت اشباع نظری باری کرد. براساس یافته‌های پژوهش، فرایند مواجهه دختران نوجوان شهر اصفهان با ابعاد دنیای جنسی از کودکی تا زمان حاضر در سه مقوله اصلی مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی، سن‌محوری فهم جنسی و ابهام‌زدایی از فهم جنسی شناخته شد. ارتباط بین این مفاهیم نشان‌دهنده تاریخ‌مندی سکسوالیته فردی و اجتماعی و سیالیت برساخت فهم جنسی است و این فرایند را از مواجهه ابتدایی با دنیای جنسی تا دستیابی مداوم به اطلاعات جدید و بازاندیشی در تفکرات، نگرش‌ها و فهم در پرتو سناریوهای فرهنگی و الگوهای بین‌فردی و درون‌روانی تا زمان مصاحبه روایت می‌کنند.

کلیدواژگان

الگوهای جنسی، برساخت فهم جنسی، چرخه زندگی، دنیای جنسی، سکسوالیته.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان
hajian_68@yahoo.com

۲. استاد و مدیر گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
V.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان
A.rabbani@ltr.ui.ac.ir

۴. دانشیار و مدیر گروه سلامت خانواده، پژوهشکده علوم اعصاب، مرکز تحقیقات ضایعات مغزی و نخاعی (بصیر)،
effatmer@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

مقدمه و بیان مسئله

در جهان معاصر، نشانه‌های جنسی را در هر کجا می‌توان مشاهده کرد. امروزه اگرچه بتوان بسیاری از کودکان را از مواجهه با دنیای جنسی^۱ و ورود به آن حفظ نمود و آن را به تعویق انداخت، مواجهه نوجوانان با آن انکارناپذیر است. دختران نوجوان در فرایند اجتماعی شدن و به‌ویژه در دوران بلوغ و پس از آن در کنش‌های متقابل و همچنین متأثر از رسانه‌ها، فهم و سرمایه جنسی خود را بر ساخت می‌کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت فعال در این دنیا قدم می‌گذارند. آنان حتی اگر از سوی دیگر افراد، متون و رسانه‌ها برانگیخته نشوند، در فرایند رشدشان بروز تفاوت‌های جسمانی را مشاهده می‌کنند و ذهنشان هر روز بیش از گذشته پر از سؤال می‌شود. شاید بتوان گفت که نوجوانان امروزی نسبت به نسل‌های گذشته از عاملیت بیشتری برخوردارند و موضوعات مبهم گوناگون را فعالانه‌تر به چالش می‌کشند تا آن را درک کنند. چه بسا که بخش بزرگی از شناخت آنان با تجربه کردن و ورود عملی به آن حوزه‌ها باشد. نسل‌های جدید امروزه چنانچه در دستیابی به فهم و ادراک جنسی با مانع روبه‌رو شوند، خود به دنبال کشف آن می‌روند. با گسترش و همه‌جایی شدن رسانه‌ها و تنوع آن‌ها دیگر نمی‌توان انتظار داشت که نوجوانان پس از دست نیافتن به پاسخ سؤالاتشان از آن دست بکشند. آن‌ها در این دنیای اروتیک زندگی می‌کنند و دائماً این ابهامات و سؤالات در ذهنشان تداعی می‌شود و کنجکاوای آنان را بیش از گذشته برمی‌انگیزد. در بسیاری از موارد، در اوان مواجهه، فرد درحالی با چنین متن اروتیکی مواجه می‌شود که هیچ دانشی در مورد آن ندارد و به نوعی اولین فهم جنسی خود را از این مسیر و به صورت ناقص دریافت می‌کند. همچنین، گاه آن‌ها نابالغاند یا برای چنین تصاویری آمادگی ندارند. از این‌رو، این شناخت مملو از ناآگاهی، بدفهمی، نگرانی، ترس و شرم و چالش‌های ذهنی فراوان است. چه بسا که فیلم‌ها و عکس‌های پورنوگرافیک به منبع مهمی برای فهم جنسی آنان تبدیل شود که تعریفشان از روابط جنسی، نگرش، فانتزی‌ها و انتظارات جنسی‌شان را شکل دهد. در نتیجه تابوی فرهنگی، بیشترین اطلاعات نوجوانان مربوط به دانش پراکنده آن‌ها، رسانه‌ها و همسالانشان است که ممکن است خود بی‌اطلاع باشند یا با اطلاعات نادرست باشند؛ در نتیجه چرخه این فهم غلط و ناقص باز تولید می‌شود.

آنچه مشخص است، مبهم و تار شدن مرزبندی مراحل چرخه زندگی^۲ نسبت به گذشته است. مواجهه ناگهانی با دنیای جنسی، به‌ویژه در زمینه رابطه جنسی، می‌تواند شوک بزرگی برای کودک یا نوجوانی محسوب گردد که تا پیش از آن هیچ‌گونه فهم جنسی نداشته و آموزشی دریافت نکرده است. در این موقعیت، ممکن است باور وی از اطرافیان، خصوصاً والدینش، به‌طور موقت مخدوش شود، زیرا وی تحت تأثیر سناریوهای فرهنگی و آموخته‌های

1. sexual world
2. life cycle

ناقصش رابطه جنسی را خشونت‌بار و بی‌شرمانه می‌شناسد و فانتزی‌های ذهنی‌اش نیز ممکن است مبتنی بر این تصویر نامطلوب شکل گیرد و ترس و شرم در گفت‌وگوی درونی‌اش راه یابد. از این‌رو، شناخت فرایند برساخت فهم جنسی نوجوان و اصلاح آن از اهمیت وافری برخوردار است؛ شناخت تغییرات مراحل چرخه زندگی برای سکسوالیته^۱ در بستری که کنش‌گران نسل‌های جدیدتر در پی‌واسازی بخش‌هایی از سناریوهای فرهنگی سنتی هستند، لازمه برنامه‌ریزی و آموزش هدفمند جنسی است. کاهش سن بلوغ و افزایش سن ازدواج و در نتیجه به دنبال آن، طولانی‌شدن دوره مجرد نیز بر اهمیت شناخت این فرایند می‌افزاید، زیرا امروزه به هر کجا که بنگریم، نشانه‌های جنسی و محرک‌های امیال جنسی وجود دارند؛ از این‌رو بهره‌مندی از فهم و آگاهی‌بخشی جنسی مناسب و مؤثر می‌تواند افراد را متناسب با سن آنان و هنجارهای فرهنگی جامعه، با اطلاعات درست و به صورت علمی راهنمایی کند. این امر فرصت‌هایی را برای آنان تدارک می‌بیند که مهارت‌های لازم را بیاموزند تا بتوانند آگاهانه درباره زندگی جنسی خود تصمیم بگیرند. این آموزش‌ها می‌تواند در مورد آناتومی جنسی، تولیدمثل، مقاربت جنسی، سلامت باروری، نکات مهم در روابط عاطفی، حقوق و مسئولیت‌های تولیدمثل، معرفی انواع گرایش‌ها و هویت‌های جنسی، اختلالات جنسی، جلوگیری از بارداری و سایر جنبه‌های رفتار جنسی انسان استفاده شود. دانش جنسی همچنین در ایجاد آگاهی در مورد مسائل جنسی-اجتماعی مانند تبعیض جنسیتی، ازدواج کودکان و کاهش سوءاستفاده جنسی و طلاق دارای اهمیت است. این فرایند باید از دوران کودکی آغاز شود و تا دوران بزرگسالی نیز برحسب نیاز ادامه یابد [۱۵؛ ۲۴]. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر، شناخت فرایند فهم جنسی در روایت دختران نوجوان شهر اصفهان است که تحت‌تأثیر الگوهای تعریف‌شده در سطوح متفاوت کلان، بین‌فردی و فردی برساخت شده است. این امر مقدمه مهمی برای اطلاع از تجربه‌زیسته نوجوانان از زمان مواجهه با دنیای جنسی تا کنون است.

مرور تجربی

پژوهش‌های پیشین در سکسوالیته نوجوانان را می‌توان در چهار دسته آگاهی و دانش جنسی، آموزش جنسی و نتایج آموزش، نیازسنجی آموزش جنسی و بلوغ و اجتماعی‌شدن جنسی خلاصه کرد. نتایج پژوهش‌هایی که به آگاهی و دانش نوجوانان در زمینه مسائل جنسی و بلوغ پرداخته‌اند نشان می‌دهد که آموزش‌ها باید از سنین پایین‌تر شروع شود تا هنگام مواجهه‌شدن دختران با نشانه‌های بلوغ نکته مبهمی برایشان وجود نداشته باشد و لازم است تا در سنین بالاتر به آن‌ها ابعاد دیگری از بهداشت باروری آموزش داده شود [۵]. نوجوانان دانش جنسی

خود را بیشتر از طریق رسانه‌ها و دوستانشان به دست می‌آورند و فقدان اطلاعات کافی و صحیح در مورد موضوعات بهداشت باروری و جنسی موجب می‌شود که با احتمال بیشتری وارد روابط جنسی قبل از ازدواج شوند [۱۰]. پژوهش‌هایی که به آموزش جنسی نوجوانان پرداخته‌اند، در یافته‌های خود اشاره می‌کنند که تربیت و آموزش جنسی موجب شکل‌گیری هویت جنسی در دانش‌آموزان می‌شود [۱۲]. خودپنداشت جسمی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی را بهبود [۴] و رفتار جنسی سالم را نیز افزایش می‌دهد [۲۷]. مهم‌ترین دلایل ضرورت آموزش سلامت جنسی به دختران نوجوان، فقدان دانش و نگرش صحیح جنسی، بدآموزی و وجود منابع نادرست آگاهی جنسی، تحولات فرهنگی- اجتماعی، افزایش معضلات سلامت جنسی در نوجوانان و دیدگاه اثباتی مذهب است [۹]. در گفت‌وگوی والدین و نوجوانان بسیاری از دختران از بحث در مورد موضوعات جنسی یا سؤالات در مورد آن خودداری می‌کنند، زیرا آن‌ها می‌ترسند مورد قضاوت قرار گیرند یا والدین آن‌ها تصور کنند که درگیر فعالیت جنسی شده‌اند [۲۹]. شیوه‌های آموزشی با رویکرد گروه همسالان به ارتقای سلامت جسمانی دختران، توانمندسازی آنان و ارائه فرصت‌هایی به آنان جهت مشارکت در فعالیت‌ها و بهبود ارتباط بین آن‌ها و والدین منجر می‌شود [۱۱]. پژوهش‌هایی که به نیازسنجی نوجوانان در زمینه مسائل جنسی و بلوغ پرداخته‌اند نمایان‌گر کسب اطلاعات نادرست و منابع اطلاعاتی غیر موثق از سوی نوجوانان و ناآگاهی نوجوانان و والدین از نیازهای بهداشت باروری هستند [۶]. آگاهی دختران در زمینه بهداشت باروری [۳] و همچنین بلوغ، قاعدگی و تولیدمثل در سطح ضعیف است [۲]. دختران نوجوان مسائل و نیازهای متعددی در چهار دسته کلی شامل تجربه قاعدگی و بهداشت بلوغ، مسائل اجتماعی، جنسی و روحی و روانی دارند. نوجوانان در مورد تغییرات جسمانی به مسائلی همچون تغییرات جسمانی بلوغ، ناآگاهی از علائم بلوغ کامل و ناآگاهی از بهداشت دوران بلوغ اشاره می‌کنند [۷]. پژوهش‌هایی به اجتماعی شدن جنسی، عاملیت و واکنش کودکان و نوجوانان در هنجارپذیری و درونی‌سازی محتواهای جنسی دریافت‌شده یا بازسازی و مقاومت در برابر آن اشاره کرده‌اند. این پژوهش‌ها به منابع متفاوتی همچون اعضای خانواده معلمان و مربیان، رسانه‌ها، دوستان و همسالان و حتی تصاویر سونوگرافی قبل از تولد کودک اشاره کرده‌اند که سؤالات جنسی را در کودکان و نوجوانان برمی‌انگیزند یا به نگرش و انتظارات آن‌ها شکل می‌دهند [۱۶؛ ۱۷؛ ۲۱؛ ۲۶؛ ۲۸].

با توجه به اینکه سکسوالیته انسان تنها فرایندی بیولوژیکی نیست، بلکه همچنین به‌طور پیچیده‌ای از نظر اجتماعی و نمادین بر ساخت شده و شکل گرفته است، در مطالعه پیش‌رو با رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی فرایند فهم جنسی با مشارکت خود نوجوانان در پژوهش پرداخته‌ایم.

مرور نظری

گاگن و سیمون از پیشگامان رویکرد جدید جامعه‌شناختی در سکسوالیته در دهه ۱۹۷۰ بودند. ادعای کلیدی آن‌ها این بود که سکسوالیته انسان به تحلیل دقیق در قلمروهای اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و نمادین نیاز دارد [۳۲]. سکسوالیته‌های انسانی باید به صورت اجتماعی تولید شوند، به صورت اجتماعی سازماندهی شوند، به صورت اجتماعی ابقا شوند و به صورت اجتماعی تغییر کنند. همان‌گونه که فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند، به همین ترتیب، سکسوالیته‌ها نیز تغییر می‌کنند [۳۱]. از دیدگاه آنان، سکسوالیته‌های انسانی و درنهایت همه کنش‌ها و منش‌های انسانی الگومند^۱ شده‌اند [۱۹]. الگوها اغلب به منزله ابزارهای اکتشافی هستند که مشاهده‌گران مورد استفاده قرار می‌دهند تا سلوک جنسی^۲ را در سه سطح سناریوهای فرهنگی (مانند پورنوگرافی و سینما)، تعاملات میان‌فردی (مانند کنش‌های خاص جنسی) و فرایندهای درون‌روانی (مثلاً فانتزی‌ها، برنامه‌ها، خاطرات جنسی) بهتر تفسیر کنند [۲۰].

سناریوهای فرهنگی الگوهای جمعی هستند که اهداف جنسی، قصدها^۳ و روابط مناسب را مشخص می‌کنند. آن‌ها دستورالعمل‌های تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای هستند برای اینکه افراد چگونه، کی، کجا، چرا و با چه کسانی تعاملات اجتماعی یا جنسی داشته باشند [۲۳]. چنین دستورالعمل‌های فرهنگی در سازماندهی نهادهای اجتماعی و در زندگی روزمره در آن نهادها قرار دارند؛ خانواده، مدارس، کلیساها، ارتش، سازمان‌های تجاری، دانشگاه‌ها، پزشکی و شاید صریح‌تر از همه، قانون و سیستم عدالت کیفری، همه سیستم‌های آموزشی در مورد سکسوالیته هستند [۲۰]. الگوهای بین‌فردی الگوهایی از کنش متقابل و معمولاً از ترکیبی از سناریوهای فرهنگی و درون‌روانی هستند [۲۳]. ممکن است یک فرد بیش از یک الگو را در زمان‌های مختلف استفاده کند. الگوهای بین‌فردی ممکن است از گفتمان غالب پدیدار شود، اما به همان اندازه احتمال دارد که از فروپاشی گفتمان حاکم یا از گفتمان‌های کمتر هژمونیک که رابطه جنسی را احاطه کرده‌اند هویدا شوند [۱۳]. الگوهای درون‌روانی، محتوای ذهنی را نشان می‌دهند. آن‌ها اغلب از نسخه‌های سناریوهای فرهنگی ساخته شده‌اند که متمرکز شده و گاه به‌طور دائمی تجدید نظر می‌شوند تا نیازهای کنش متقابل عینی را برآورده کنند [۲۰]. الگوهای درون‌روانی بر چگونگی ایجاد نقش‌های جنسیتی در سطح فردی، همچون فانتزی‌ها و خواسته‌های جنسی، تأثیر می‌گذارند. بنابراین، درحالی‌که الگوهای مشترک در سطح فرهنگی وجود دارند، الگوهای منحصربه‌فردی نیز وجود دارند که توسط تاریخچه منحصربه‌فرد جنسی هر شخص ایجاد شده‌اند [۱۳].

1. script
2. sexual conduct
3. objects

تعداد کمی از سناریوهای فرهنگی هستند که سن یا چرخه زندگی را در نظر نگرفته باشند؛ این سناریوها هم ورود و خروج از الزاماتی را که بیانگر مرحله خاص چرخه زندگی هستند تعریف می‌کنند و هم انتظاراتی دارند که به‌طور سیستماتیک به مراحل مختلف چرخه زندگی اختصاص می‌یابند. بستری که مرزهای بین نوجوانی و بزرگسالی را با درگیری جدی در فعالیت‌های اجتماعی-جنسی تعریف می‌کند، قصد دارد مرزهای بین کودکی و نوجوانی را نیز مشخص کند [۱۸]. واضح است که ما ناگهان جنسی نمی‌شویم، بلکه این فرایندی مستمر از گذشته است؛ تجربیات دوران کودکی (حتی آن‌هایی که جنسی به نظر می‌رسند) احتمالاً تأثیرگذار خواهد بود، ولی نه به این دلیل که آن‌ها ذاتاً جنسی هستند، بلکه به این دلیل که می‌توانند بر روند برخی از جنبه‌های رشد، از جمله جنبه جنسی آن، تأثیرگذار باشند. سیمون و گاگن معتقدند که یادگیری در مورد رابطه جنسی، به‌ویژه در جامعه سنتی، بخش بزرگی از یادگیری گناه است؛ و یادگیری نحوه مدیریت سکسوالیته معمولاً شامل یادگیری نحوه مدیریت گناه است. آغاز و پایان نوجوانی مبهم است. به‌طور کلی، آغازش اولین باری است که جامعه توانایی جنسی فرد را به رسمیت می‌شناسد و تأیید می‌کند. در این زمان، آموزش در حالات و نمایش تجربه جنسی تسریع می‌شود و نوجوان شروع می‌کند که به‌عنوان یک کنش‌گر جنسی به این‌ها درباره خودش (مخصوصاً به همسالان خود و همچنین به بزرگسالان) توجه کند و به دنبال تأیید دیگران برای دیدگاهش باشد. تجربه جنسی با نوجوانی آغاز می‌شود. حتی کسانی که تجربه قبلی داشته‌اند متوجه می‌شوند که معانی جدیدی را با نوجوانی به دست می‌آورند. بنابراین، رشد جنسی نوجوانان واقعاً بیانگر آغاز سکسوالیته افراد بالغ است. تجربیات آینده نه‌تنها در بستر و زمینه‌های جدید و پیچیده‌تری اتفاق می‌افتند، بلکه به صورت صریحاً جنسی نیز درک خواهند شد و به همین دلیل روابط اجتماعی شروع به پیچیده شدن می‌کنند. نیاز به مدیریت سکسوالیته نه‌تنها از نیازهای و امیال جسمانی، بلکه از درگیری‌های جدید در روابط شخصی نیز افزایش می‌یابد. بازی کردن یا ارتباط برقرار کردن با اعضای جنس مخالف در این دوران معانی متفاوتی دارد [۳۰].

روش پژوهش

پژوهش پیش رو بر مبنای روش نظریه زمینه‌ای به دنبال کاوش در فرایندهای اجتماعی و تعاملی در حال ساخته شدن توسط عامل‌های اجتماعی بوده و با رویکرد برساخت‌گرایانه مبتنی بر رویکرد چارمز (۲۰۱۴) اجرا شده است. نظریه زمینه‌ای برساخت‌گرایانه انعطاف‌پذیری این روش را برجسته و کاربست مکانیکی رویکردهای قبلی را رد می‌کند. در این رویکرد، علاوه بر

تأکید بر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بر ذهنیت و درگیری محقق نیز در برساخت و تفسیر داده‌ها اذعان می‌شود و همچنین بر زمینه‌های اجتماعی، تعامل، دیدگاه‌های مشترک و فهم‌های تفسیری تأکید می‌شود [۱۴].

مشارکت‌کنندگان در پژوهش، دختران نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان‌اند و فرایند فهم جنسی در زندگی آنان از اولین مواجهه با دنیای جنسی تا کنون مطالعه شده است. روش نمونه‌گیری در پژوهش از نوع هدفمند متوالی (شامل نمونه‌گیری گلوله‌برفی و نمونه‌گیری نظری) بوده است. در ابتدای پژوهش، جهت مطالعه اکتشافی از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و در ادامه فرایند پژوهش، جهت تحلیل از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است و ما را در پیشبرد مسیر برای رسیدن به اشباع نظری یاری رسانده است. نمونه‌گیری نظری و رسیدن به اشباع نظری در پژوهش تعیین‌کننده حجم نمونه بوده است. ابزار استفاده‌شده در پژوهش پیش رو، مصاحبه‌های انباشتی^۱ و روایت‌گونه (۳ مصاحبه اکتشافی^۲ و ۲۴ مصاحبه انباشتی) بود که چارمز آن را بهترین نوع مصاحبه در مطالعات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای معرفی می‌کند [۱۴]. پس از مطالعه مقدماتی و طراحی سؤالات پژوهش، به مصاحبه‌های اکتشافی پرداخته شد تا سؤالات اصلاح و تقویت شود و درک محقق از موضوع مطالعه‌شده عمیق‌تر شود. سپس مصاحبه‌های انباشتی اجرا شد.

فرایند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti صورت پذیرفت. پس از اجرای هر مصاحبه به نگارش و کدگذاری آن در سه مرحله اولیه (شامل کدهای جنینی^۳ برگرفته از کلیدواژه‌های مشارکت‌کنندگان و کدهای محقق‌ساخته^۴)، متمرکز و نظری پرداخته شد. حساسیت نظری محقق در همه این مراحل حفظ شد. پژوهش‌گر همچنین با کمک یادداشت‌های تحلیلی به بسط ویژگی‌ها و ابعاد مقولات و روابط بین آن‌ها پرداخته است. برخی از یادداشت‌های تحلیلی وارد کدگذاری شده و بخشی از مقولات را به خود اختصاص داده است. در این فرایند رفت و برگشتی، محقق برای پرکردن شکاف‌ها به کدهای اولیه یا حتی به مشارکت‌کنندگان قبلی یا جدید مراجعه کرده و سؤالات جدیدی را پرسیده است. نمونه‌گیری نظری تا جایی پیش رفته که اشباع نظری یا به عبارت بهتر کفایت نظری به دست آمده و با مراجعه مجدد به میدان، بر این ویژگی‌ها و ابعاد مقولات افزوده نشده و یافته جدیدی حاصل نشده است.

در این پژوهش، سعی کردیم معیارهای ارزیابی همچون اعتبارپذیری^۵ (برقراری ارتباطی دوستانه با کمک تکنیک یخ‌شکنی و پذیرایی یا تقدیم هدیه؛ رعایت فرایندی رفت و برگشتی

1. intensive interview
2. explore study
3. in vivo codes
4. in vitro codes
5. credibility

در فرایند تحقیق و اجرای چندباره کدگذاری، مقایسه‌های چندباره و پرکردن شکاف‌ها با پرسش از مشارکت‌کنندگان و اصلاح و تقویت مصاحبه‌های بعدی و در نتیجه بررسی انطباق داده‌ها با بستر تجربی، اصالت^۱ (تمرکز بر نوجوانان و وجه زمانی و فرایندی برساخت فهم جنسی آنان)، انطباق با واقعیت^۲ (بررسی و مقایسه ابعاد مختلف تجربه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و تطبیق آن با بستر اجتماعی و سناریوهای فرهنگی، شناسایی مفاهیم و معانی مسلم فرض‌شده آنان، ارسال یافته‌های پژوهش به زبانی ساده برای آنان و دریافت تأیید نهایی) و سودمندی^۳ را رعایت کنیم.

تعریف مفاهیم

سکسوالیته: سکسوالیته به میل جنسی، احساس جنسی، رابطه جنسی، جنسیت، رفتارهای جنسی، غریزه جنسی، جنسیت [۸]، مسائل جنسی و امور جنسی، جنسی‌مندی و غیره ترجمه شده است. سکسوالیته انسان بخشی از شخصیت کلی فرد است. این سکسوالیته شامل دانش، باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای جنسی افراد است که دربرگیرنده ابعاد بیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی- فرهنگی است. این واژه تنها به رفتار جنسی محدود نیست، بلکه شامل احساس ما به خود، نقش‌هایی که در جامعه ایفا می‌کنیم و همچنین تولید نسل است [۲۲]. معادل‌های فارسی این مفهوم، گستردگی معنای آن را دربر نمی‌گیرند و موجب تقلیل و مخدوش‌ساختن معنای آن شده‌اند.

الگو: بیان‌کننده گروهی از واژه‌هاست که مفهوم یا وضعیتی را به مخاطب القا می‌کند. الگو مجموعه بزرگی از اطلاعات معنایی است که یک واژه را دربر گرفته یا توسط آن فراخوانده می‌شود و نوعی ساختار شناختی است که در ذهن فرد درونی شده و نشان‌دهنده دانش زبان مادری و بخش کوچکی از جهان واقعی و تجربیات شخصی افراد است [۱]. در نظریه الگوهای جنسی به سه نوع سناریوهای فرهنگی، الگوهای بین‌فردی و الگوهای درون‌روانی اشاره می‌شود. این الگوها اساساً استعاره‌ای هستند که شکل‌گیری رفتار در زندگی اجتماعی را مفهوم‌سازی می‌کنند [۱۸] و به‌مثابه قواعدی هستند که تعریف می‌کنند افراد موقعیت‌ها را چگونه تفسیر کنند، چگونه، کجا، کی و با چه کسانی تعاملات اجتماعی و حتی جنسی داشته باشند. الگوهای جنسی بستری مشترک برای مذاکرات بین‌کسانی که به‌عنوان کنش‌گران جنسی شناخته می‌شود فراهم می‌کند. گاگنن و سیمون تأکید می‌کنند که بدون چنین الگوهای کنش‌های جنسی متوقف می‌شوند و حتی برانگیختگی جنسی نیز اتفاق نمی‌افتد [۲۵].

سلوک جنسی: گاگنن [۲۰] معتقد بود که هیچ رفتار انسانی بدون ارزشیابی اخلاقی و

1. originality
2. resonance
3. usefulness

اجتماعی وجود ندارد. بنابراین، سلوک جنسی یک فرد بازاندیش را دربر می‌گیرد که با دیگران کنش متقابل اجتماعی دارد و به‌وسیله نظام معناداری از دستورالعمل‌های فرهنگی هدایت می‌شود و آن‌ها را به صورت فردی تفسیر می‌کند. سلوک جنسی فراتر از رفتارهای جنسی قابل مشاهده است. این مفهوم مبتنی بر هنجار و ارزیابی براساس معیارهایی است که از قبل توسط گروهی از مردم و الگوهای جنسی (که پیش‌تر تعریف شد) تعیین و ارزیابی شده است [۲۵]. وضعیت فرهنگی- تاریخی و فرایندهای روان‌شناختی یا به عبارت بهتر سناریوهای فرهنگی، الگوهای بین‌فردی و درون‌روانی در طول تاریخ معنایی برای رفتار جنسی ارائه می‌کنند، اطلاعات و مهارت‌های آموخته‌شده را سازماندهی می‌کنند و به شرایط جدید پاسخ‌های فرهنگی مناسب می‌دهند [۲۰].

چرخه زندگی: بیان‌کننده مراحل متوالی زندگی افراد است که بر مبنای سن تعریف می‌شود. این مراحل متوالی شامل الگوی معمول طفولیت، کودکی، نوجوانی، بزرگسالی و پیری است. از دیدگاه گانن [۲۰] مراحل چرخه زندگی در ابتدا و انتهایشان بسیار انعطاف‌پذیر بوده و برخی از آن‌ها به‌وضوح ابداعات فرهنگی هستند که به‌تازگی در تاریخ بشری ظاهر شده‌اند. یادآوری رایج «طبق سن خود رفتار کن» مستقیماً به ارتباط متقابل مفهوم‌سازی مراحل چرخه زندگی با تقریباً تمام رفتارها اشاره می‌کند.

یافته‌های پژوهش

مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۲۴ دختر نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله بودند که در رشته‌های مختلفی تحصیل می‌کردند و یک نفر از آن‌ها از تحصیل بازمانده بود. تعداد اعضای خانواده، پایگاه اجتماعی آن‌ها و محل زندگی‌شان متفاوت بود و از دختران فقیر در مناطق حاشیه شهر اصفهان تا طبقات مرفه را شامل می‌شد. مشارکت‌کنندگان همچنین با عقاید مذهبی گوناگونی بودند و از طیف بسیار مذهبی تا غیرمذهبی را شامل می‌شدند.

فرایند مواجهه دختران نوجوان شهر اصفهان با سکسوالیته از کودکی تا کنون در سه مقوله مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی (شامل مقولات خرد فهم اولیه هیجانی و ناباورانه و دغدغه علت وجودی رابطه جنسی)، سن‌محوری فهم جنسی (شامل مقولات خرد ذهن سفید پیشابلوغ، محوریت سن در فهم جنسی، تغییر فکر و کنش در پی تغییر دوره سنی)، ابهام‌زدایی از فهم جنسی (شامل مقولات خرد تخیل و فانتزی‌سازی جنسی، رعایت «اصل و غیره» در فهم جنسی، اصلاح و تکمیل فهم مبهم و نادرست اولیه به مرور زمان) می‌گنجد. این مفاهیم در ارتباط با یکدیگر بر زمان‌مند و تاریخ‌مند بودن سکسوالیته تأکید دارند و از مواجهه ابتدایی با آن و برساخت اولیه فهم تا مواجهه با اطلاعات جدید، بازاندیشی در تفکرات و نگرش‌ها و ادامه فرایند فهم تا کنون را روایت می‌کنند. یافته‌های اصلی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده‌اند:

جدول ۱. مقولات اصلی و مقولات خرد بر ساخت شده در پژوهش	
مقولات اصلی	مقولات خرد
مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی	فهم اولیه هیجانی و ناباورانه دغدغه علت وجودی رابطه جنسی
سن محوری فهم جنسی	ذهن سفید پیشابلوغ تغییر فکر و کنش در پی تغییر دوره سنی محوریت سن در فهم جنسی
ابهام‌زدایی از فهم جنسی	رعایت «اصل و غیره» در فهم جنسی تخیل و فانتزی‌سازی جنسی صلاح و تکمیل فهم مبهم و نادرست اولیه به مرور زمان

مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی

اولین فهم از رابطه جنسی، که اغلب در دوران ابتدایی و سپس متوسطه اول رخ داده، آمیخته با تعجب، هیجان و خنده بوده است؛ اطلاعاتی شگفت‌انگیز که بیشتر به شوخی و جوک شباهت دارد. علت این هیجان و خنده‌دار بودنش را می‌توان در ناشناختگی و رازآمیز بودن آن، ناباوری به آن با توجه به آموخته‌ها و توصیه‌های قبلی دانست. کودک یا نوجوان آموخته است که اندام جنسی و خصوصی باید از دیگران پوشیده بماند و رابطه همسران، به‌ویژه در اوایل ازدواج، را عاطفی و عاشقانه می‌بیند و نمی‌تواند فعالیتی همراه با برهنگی کامل، دور از حیای آموخته‌شده و با خشونت و درد را تصور کند. از این‌رو، به‌راحتی داستانی از به‌اشتراک‌گذاری بدن خصوصی خود با دیگری را باور نمی‌کند یا آن را انکار می‌کند. این انکار با تصور والدین و تفکر و شناختی که از آن‌ها دارد تشدید می‌شود. نوجوانان دلیل این انکار اولیه و شکل‌گیری نگرش منفی به آن را در درک نکردن رابطه جنسی، میل و لذت، علت وجودی آن و همچنین نادرست دیدن فعالیتی خشونت‌بار و بی‌شرمانه مطرح می‌کنند. آن‌ها در حالی با سکسوالیته بزرگسالان آشنا می‌شوند که از میل و لذت‌های خوشایند دنیای جنسی فهم و دانش چندانی ندارند. در واقع، کودکان یا نوجوانان پیش از کسب دانش جنسی مقدماتی، در فرایند تاریک آگاهی ناگهان با برجسته‌ترین و چالش‌برانگیزترین کنش در دنیای جنسی آشنا می‌شوند و این ورود ناگهانی در این قلمرو رمزآمیز موجب تعجب و سردرگمی آنان شده است. آنان این کنش را به‌عنوان تنها اصل مهم و ناشناخته در دانش سکسوالیته تلقی می‌کنند؛ روایتی که خبر از فعالیتی رازآلود می‌دهد که بزرگسالان سعی در پنهان داشتن آن دارند. از این‌رو، صحبت درباره آن مملو از هیجان، شوخی و ناباوری است.

اولین باری که فهمیدم، اصلاً باورم نمی‌شد. توی اینترنت سرچ کردم. خودم سرچ کردم به کسی نگفتم. مثلاً نوشته بود که آره رابطه باعث بارداری می‌شه و از این جور حرف‌ها. خیلی عجیب بود و هنوز باورم نشده بود و باور نکرده بودم که یه رابطه باعث بارداری بشه. آیا می‌شه؟

هیچ وقت بچگی م این سؤال رو نپرسیده بودم که مامان من از کجا به وجود آمدم. یعنی فکر می کردم که خدا واقعاً منو داده به پدر و مادرم... (ع، ۱۷ ساله).

اولاً می گفتم مگه می شه باهم همچین کاری بکنن؟ مثلاً به کم سخت بود برای پدر و مادر خودم. می گفتم می شه همچین کاری بکنن باهم؟... فکر می کردم زشته نباید این کار رو بکنن، چیز زشتی می دونستم (س، ۱۸ ساله).

فزونی چالش در فهم اولیه به دلیل حضور در دنیای کودکی است. فرایند بلوغ و تغییرات جسمانی-ذهنی و رشد شناختی، فهم را متفاوت می کند. در واقع، کودکان حتی اگر سابقاً تجربه خودتحریکی نیز داشته باشند، آن گاه که اطلاعاتی درباره رابطه جنسی کسب می کنند درک درستی از آن ندارند و قادر نیستند بین آن و رفتار خودشان ارتباطی برقرار کنند. خودتحریکی کودک فقط یک کنش لذت بخش مانند بسیاری از کنش های دیگر است. از این رو به فعالیت او نمی توان عنوان خودارضایی (کنش جنسی بالغان) داد. افراد در فرایند رشد خود، معانی، قواعد، هنجارها و ارزش های اجتماعی-فرهنگی و دینی را طبق زمینه و بستری که در آن زندگی می کنند می آموزند و طبق همین معانی، کنش های خود و دیگران را تعبیر و تفسیر می کنند. در نتیجه، کودک آن گاه که با رابطه جنسی آشنا می شود به این دلیل که هنوز به سن بلوغ نرسیده و آمادگی ذهنی و جسمانی برای پذیرش لذت جنسی را دریافت نکرده است، معنای مقاربت را به خوبی در نمی یابد.

می گفتم چرا اصلاً اون شب باید حتماً این کار رو انجام بدن! چه دلیلی داره؟ چه جوریه؟ و اینا به این فکر می کردم... دیگه از دوستان می پرسیدم بعضی از کتابها، احکام اینها می خوندم، از بعضی از مشاورها می پرسیدم، بالاخره از همین اینترنت و اینها دیگه تا اطلاعاتی به دست آوردم (م، ۱۳ ساله).

مثلاً می گفتم حتماً باید همین کار رو بکنن آیا؟ چطوری اصلاً به وجود می آد؟ برای چی باید انجام بشه؟... از اول خیلی دوست داشتم بپرسم که این چه جوریه و خیلی سؤال تو ذهنم بود، ولی الان دیگه زیاد نه (س، ۱۸ ساله).

سن محوری فهم جنسی

ضعف دانش و اطلاعات جنسی برای برخی از دختران، به ویژه در دوران دبستان یا پیش از بلوغ، مشهود است. این بی اطلاعاتی در مورد بلوغ، رابطه جنسی و ابعاد دیگر سکسوالیته آن ها را درگیر فکر به بدن و سایر نگرانی ها نکرده است و بی دغدغه زندگی می کنند. البته نمی توان گفت این دختران هیچ گونه فهم جنسی ندارند، زیرا سکسوالیته دنیای گسترده ای دارد و آموزش های دوران کودکی برای پوشش بدن، طرز رفتار، کلیشه های جنسیتی و امثال آن بخشی از ابعاد سکسوالیته، به ویژه سکسوالیته هنجاری، هستند که مبتنی بر سناریوهای فرهنگی اجرا می شوند. ذهن سفید نشان از عدم ورود فرد به سکسوالیته بالغان دارد؛ مرحله ای که فرد ممکن

است دوره قاعدگی را هم تجربه ننموده باشد. در این مرحله است که از نظر سیمون و گاگنن فرد هنوز نوجوان محسوب نمی‌شود، زیرا آن‌ها نوجوانی را آمادگی برای توانایی جنسی وی تعریف می‌کنند. از این‌رو، دوران بلوغ و رخداد قاعدگی سرآغاز ورود به دوره نوجوانی و فهم دنیای جنسی بالغان است.

نه در مورد بدنم، اندام خصوصی که می‌گید و بلوغ اطلاعاتی به دست نیاوردم. کسی تا حالا اطلاعاتی بهم نداده (ف، ۱۲ ساله).

یادمه اصلاً فکر نمی‌کردم که زیاد اتفاق بیفته و نمی‌دونستم که به حالت خاصی داره که هر چند وقت یک بار قراره پیش بیاد. اصلاً درکی نداشتم و حتی یادمه اول که فهمیدم تصورم این بود که مثلاً خانوما هر دفعه‌ای که درواقع باید برن دستشویی و خودشون رو چک بکنن، برای خودم نمی‌دونستم که چک کردن چطوره. و وقتی که پرپود شدم، تازه فهمیدم که چه جوریه (غ، ۱۷ ساله).

سیر کسب دانش جنسی از دوران کودکی تا اواخر نوجوانی روندی همانند یک نمودار نرمال را به خود گرفته است. از این‌رو که بسیاری از دختران در سال‌های ابتدایی کودکی دانشی جزئی پیدا کرده‌اند، ولی از آنجا که ذهنی جنسی و قدرت درک و تحلیل موضوعات اروتیک را ندارند، از کنار آن می‌گذرند. به‌مرور در دوران دبستان و به‌ویژه نیمه دوم آن، فهم کودک از سکسوالیته افزایش می‌یابد. بلوغ و تغییراتی که در جسم و ذهن فرد ایجاد می‌شود پذیرش سکسوالیته بزرگسالان را تسهیل می‌کند. در این دوره زمانی است که افراد قدم در دنیای بالغان و بزرگسالی می‌گذارند و در این مرحله از زندگی، سیر صعودی نمودار به بالاترین حد خود می‌رسد. دختران در این سن به لحاظ بدنی، شناختی و ذهنی پیشرفت می‌کنند و متوجه پیچیدگی‌های دنیای جنسی می‌شوند. بیشتر به مباحث جنسی می‌پردازند و با هیجان در رابطه با آن و ابهامات و رمز و رازش صحبت می‌کنند. به منابع مختلف و به الگوهای بین‌فردی متوسل می‌شوند. روایت‌های مختلف را بیان و فهم خود را بر ساخت می‌کنند. فزونی تجربه دوره قاعدگی در این دوره زمانی، به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات لازم و کاهش دغدغه و ابهام را به دنبال دارد. بنابراین، فهم رابطه جنسی بیشتر مورد توجه است. در این فرایند، با فهم و پذیرش عادی و طبیعی بودن دوره قاعدگی و رابطه جنسی، هیجان‌ات و کنجکاوی بسیاری از نوجوانان در دوره متوسطه دوم کاهش یافته و نمودار سیر نزولی خود را در پیش گرفته است، ولی به صفر میل نمی‌کند، زیرا همواره فهم در حال برساخته شدن است. اغلب نوجوانان در این دوره تصور می‌کنند رابطه جنسی بخش ناشناخته سکسوالیته بوده است و پس از فهم آن اطلاعات خود را نسبتاً کافی می‌دانند. البته هرچه نوجوان فهم بیشتری را برساخت کرده و ابعاد بیشتری از سکسوالیته را شناخته است، به ناکامل بودن فهم خود بیشتر اذعان می‌نماید.

می‌تونم بگم تا قبل دبیرستان مدام بهش فکر می‌کردم بعد کمتر شد (ف، ۱۸ ساله).
بیشتر توی دوره راهنمایی و یازده دوازده سالگی بچه‌ها در موردش صحبت می‌کردن،

توضیح می‌دادن، اشتیاق داشتن. بیشتر راهنمایی بود. دبیرستان خیلی کسی وارد این توضیحات و جزئیات نمی‌شد (س، ۱۸ ساله).

از سوی دیگر، با ورود دختران به دوره نوجوانی، رویکرد آنان به خود و ارتباط با دیگران نیز دستخوش بازاندیشی می‌شود. همان‌گونه که نوجوان دوره قاعدگی را تجربه می‌کند و بلوغش فعلیت می‌یابد، در پی ورود به دنیای بزرگسالان و معرفی و نمایش خود به‌عنوان فردی بالغ و بزرگ است. این گرایش در آرایش، لباس و رفتار وی نمود می‌یابد. نوجوانان از ترجیح لباس تنگ‌تر جهت نمایش بزرگ‌شدن اندام و تغییر فرم بدن یا ترجیح لباس گشاد برای نمایش‌ندادن بدن و همچنین دوری از لباس‌های بچگانه و تمایل به سبک پوشش بزرگسالان سخن می‌گویند. بازاندیشی و تجدیدنظر در انتخاب دوست نیز بعد دیگری از فرایند نمایش بالغ‌بودگی است. دوستانی که به سبک متشابهی عمل می‌کنند مرجح هستند. نمود بالغ‌بودگی در ظاهر نوجوان وی را به سمت مدیریت بدن و افزایش سرمایه جنسی نیز متمایل می‌سازد. بسیاری از دختران با الگوگیری از زن بازنمایی‌شده در رسانه، خود را با آنان مقایسه می‌کنند و در پی افزایش زیبایی خود طبق معیارهای روز و رقابت با دیگران‌اند. دختران از بدو تولد در این بستر رشد می‌کنند، اجتماعی می‌شوند و می‌آموزند که خود را جذاب و طبق معیارهای روز، زیبا کنند و موردپسند واقع شوند؛ به‌ویژه که دیگری مهم، یعنی جنس مذکر و به‌ویژه همسر، در گوشه ذهن آنان جای دارد و باید مهر تأییدی بر زیبایی‌شان بزند.

تو لباس پوشیدنم خیلی این تغییر احساس می‌شه؛ بیشتر حالا به دنبال لباس‌هایی بودم که یه جورى این رو نشون بده به بقیه که من دارم این جورى می‌شم. لباس‌هایی که شاید حالا بقیه حس نمی‌کردن، ولی من خودم چرا خیلی. خیلی‌ها هم این حس رو داشتن، اینکه لباس‌هایی انتخاب کنیم که یه جورى نشون بده به بقیه که ما بزرگ‌تر شدیم (ز، ۱۷ ساله).

مثلاً تو انتخاب دوست‌هایی رو انتخاب کردم که بچگونه لباس نمی‌پوشیدن. لباس پوشیدنم رو عوض کردم؛ مثل الان پوشیدم (م، ۱۳ ساله).

در جامعه سنتی یا پارادایماتیک فراروایت‌ها یا همان سناریوهای فرهنگی دارای قدرت هستند و بسیاری از آن‌ها با درنظرگرفتن سن و مراحل زندگی عمل می‌کنند. این سناریوها طیف وسیعی از رفتارهای مورد انتظار را تعریف می‌کنند. بیشتر نقش‌ها با توجه به سن تعریف می‌شوند و مبتنی بر الزامات ورود و خروج خاص و همچنین انتظارات متنوعی هستند که در مراحل مختلف زندگی وجود دارند. نه تنها بزرگسالان در ارتباط با فرزندان و آموزش به آن‌ها بر سن و دوره زندگی تأکید می‌کنند، بلکه خود نوجوانان نیز با درونی‌سازی سناریوهای فرهنگی برای پافشاری بر آموزش ابعاد مختلف سکسوالیته قائل به سن هستند. نوجوانان برای سن شروع آموزش‌ها و برساخت فهم به دو شکل پاسخ می‌دهند: عده‌ای ورود فرد به اجتماع و سطح مناسب درک و فهم وی را برای شناخت و پذیرش آن مناسب می‌دانند و عده‌ای بر سن عددی تأکید دارند. درواقع، تأکید بر لزوم آموزش جنسی متناسب با سن،

مفهوم مسلم فرض شده‌ای از سوی نوجوانان است. در زمینه سن آغاز دریافت آموزش جنسی، توافق نظر وجود ندارد، اما آنچه قابل ذکر است تأکید بر دوره کودکی برای شناخت بدن، بلوغ و دوره قاعدگی، به‌ویژه قبل از تجربه آن (سن ۵ تا ۱۴ سالگی و بیشترین تأکید بر سن قبل از دوره قاعدگی و به‌ویژه دوره دبستان است) و تأکید بر دوره نوجوانی یا پس‌بلوغ برای شناخت رابطه جنسی و سایر ابعاد پیچیده‌تر سکسوالیته است (از ۱۱ تا ۱۸ سالگی و بیشترین تأکید برای سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی یعنی برای دوره راهنمایی متمرکز است). این تمایل به دلیل آمادگی ذهنی- جسمی برای فهم جنسی با ورود فرد به دوره نوجوانی و دنیای بالغان است. به‌طور کلی توجه به سن، آمادگی ذهنی و شناختی و پیش‌مواجهه (آموزش پیش از تجربه) سه رکن اساسی در تعیین زمان آموزش جنسی هستند. نوجوانان در روایتشان اشاره می‌کنند که متوجه دنیای جنسی اطراف و پیام‌های جنسی هستند و از راه‌های مختلفی می‌توانند فهم جنسی را بر ساخت کنند. پس در نتیجه بهتر است که در زمان مناسب دانش جنسی به صورت علمی به آن‌ها آموخته شود.

... به نظرم اگر که به‌درستی آموزش داده بشه، می‌تونه خیلی جلوگیری بکنه از درواقع حوادثی که مثلاً کودکی و نوجوانی واسه همه می‌تونه اتفاق بیفته... وقتی که می‌آد ابتدایی حالا بیشتر براش توضیح بدین که رابطه اجتماعی با جنس مخالف چطور باید باشه... و از راهنمایی می‌تونن شروع کنن که درواقع ادامه بدن این مسیر رو. رابطه جنسی رو کامل شرح بدن که چرا اصلاً همچین کاری می‌کنیم و ابعاد مختلف اخلاقی، دینی، شرعی، انسانی این چه جایگاهی داره (غ، ۱۷ ساله).

عادت ماهانه رو زود باید گفت، ولی رابطه جنسی رو باید وقتی گفت که درکش برسه که هزارتا باور برای خودش درست نکنه که آیا چیز خوبیه؟ چیز بدیه؟ باید درکش برسه و خانواده باید بهش آموزش بدن (ع، ۱۵ ساله).

دوران قاعدگی و این‌ها رو من دیر فهمیدم بین کلاس هفتم و ششم بودم. تقریباً اگه زودتر تو ابتدایی می‌فهمیدم، خیلی بهتر بود. مسائل جنسی رو به جای اینکه توی پونزده شونزده سالگی بفهمم زودتر می‌فهمیدم، دیگه تا الان برام کاملاً جا می‌افتاد که دیگه الان جزء دغدغه‌ها به حساب نیاد... (ز، ۱۷ ساله).

شایان ذکر است که روایت دختران دبستانی درمورد شروع رابطه دوستی با پسران در این دوران نشان می‌دهد که مرزبندی مراحل زندگی در حال کمرنگ‌شدن است و بر ساخت فهم جنسی پیش افتاده است. رسانه‌های الکترونیکی و اپلیکیشن‌های ارتباطی بیش از پیش در حال گسترش و فرا رفتن از محدودیت‌ها و مرزبندی‌های سنی هستند و در این تغییرات نقش عمده‌ای دارند. کودکان و نوجوانان زودتر از نسل‌های گذشته با جوانب مختلف دنیای جنسی مواجه می‌شوند؛ تمایل دختران در سال‌های آخر دبستان و اوایل متوسطه اول به دوستی و رابطه عاطفی یا جنسی با پسران نشان‌دهنده گرایش نوجوانان به ورود هرچه سریع‌تر به دنیای بزرگسالان است. تجربیات دوره نوجوانی در مقایسه با کودکی در بستر جدید و پیچیده‌تری

اتفاق می‌افتند و نیاز به مدیریت سکسوالیته نه‌تنها از نیازها و امیال جسمانی، بلکه از درگیری‌های جدید در روابط شخصی نیز افزایش می‌یابد.

الان اگر من برم پیش دوستانم فقط در مورد پسرا صحبت می‌کنم، اطلاعات خاصی هم به ما نمی‌دن مثلاً می‌گن اون خوشگله باید بریم ازش شماره بگیریم. در مورد این چیزها صحبت می‌کنم. اگه شماره‌ش رو داشتیم باهم یه رل کوچک می‌زدیم (آ، ۱۳ ساله).

ابهام زدایی از فهم جنسی

نوجوان گاهی که دچار ابهام است، پاسخی برای سؤالاتش نمی‌یابد یا معنای کلیدواژه‌ای را نمی‌داند، خود را به دست زمان می‌سپارد تا در موقعیتی مناسب به جست‌وجوی آن بپردازد یا اطلاعاتی دریافت کند. وی به‌ویژه در ابتدای مسیر برساخت فهم، که ابهامات و فهم پاره‌پاره را تجربه می‌کند، تا زمان کسب اطلاعات جدید و یافتن پاسخ سؤال‌هایش در آینده خود را به زمان می‌سپرد، صبر می‌کند و فهم خود را به آینده موکول می‌کند؛ این پایبندی بر «اصل و غیره» است که طبق آن افراد، در صورت ابهام، فهم را به تأخیر می‌اندازند و پیگیر نمی‌شوند، زیرا می‌دانند که به آن دست خواهند یافت. اصل و غیره تحمل ابهام را امکان‌پذیر می‌کند؛ هرچه کنجکاو نوجوان بیشتر باشد، در مدت کوتاه‌تری به این اصل پایبند است. در مقابل اتکالی طولانی‌مدت بر آن می‌تواند فهم ناقص یا غلط نوجوان را تا مدت‌ها حفظ کند.

من می‌گفتم که دردهای زن تبعیضه، ولی خاله‌م می‌گفت که نه این تفاوت‌ها و در نظام هستی یک تفاوت‌ها. من احساس می‌کنم تبعیض اجتماعی هم نیست، تبعیض وجودی و تبعیض آفرینش زن و مرده. اگرچه که هنوز به نتیجه نرسیدم و هنوز نیومده که با کسی صحبت کنم ولی ترجیح می‌دم یه خرده اطلاعاتم بالاتر بره و درکم بیشتر بشه شاید بتونم جوابش رو پیدا کنم (ع، ۱۷ ساله).

من می‌گفتم یعنی چی باکره؟ اصلاً معنی‌ش رو نمی‌دونستم و خوب نمی‌دونستم چیه، ولی بازم ازش گذشتم. دنبال این نبودم که حالا ذهنم رو درگیر کنم. به خودم گفتم حالا خوب می‌فهمم دیگه. خیلی راحت. ولش کن. ولی خوب آدم یه سری چیزهایی رو حدس می‌زنه، ولی خیلی خفیف خیلی در سطح پایین (ش، ۱۶ ساله).

پایبندی بر این اصل در نوجوانان مقید به سناریوهای فرهنگی-مذهبی مشهودتر است، زیرا در دستورات دینی برخوردار و دوری از هرآنچه در حوزه شهوات می‌گنجد تأکید شده است. از این رو، بسیاری از دختران باورهای مذهبی قوی بر حفظ خود از دستیابی به اطلاعاتی که متناسب با سن و دوره زندگی‌شان نیست تأکید بسیاری دارند و آن را به زمان مناسب موکول می‌کنند.

... شاید گاهی اوقات معنی‌ش نمی‌دونم، ولی خیلی به این اعتقاد دارم که علم باید نافع باشه برای آدم... علمی که تا حدی بدونی که به درد بخوره خیلی اوقات... سعی کردم بذارم هر چیزی روی روتین خودش پیش بره. به خدا هم خیلی اعتماد داشتم و می‌دونستم که خودش برام بهترین چیز رو رقم می‌زنه (ش، ۱۶ ساله).

نوجوان تا حدودی ابهام را تاب می‌آورد، ولی در این حین با توسل به هرآنچه از سناریوهای فرهنگی و الگوهای بین‌فردی آموخته و دریافت کرده است، تخیلات و فانتزی‌های ذهنی خود را می‌پروراند و الگوهای درون‌روانی را برساخت می‌کند. این الگوهای جنسی درهم‌تنیده‌اند و در هر مرحله از فرایند فهم به صورت رفت و برگشتی عمل می‌کنند. روایت دختران نوجوان از فانتزی‌سازی بیشتر برای رابطه جنسی صدق می‌کند؛ فرایندی که ناشناخته است و شرایط تجربه آن نیز در این مرحله از چرخه عمر امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، فانتزی‌سازی و اندیشیدن به رابطه جنسی نمایانگر صحبت درونی با خویشتن است تا از طریق تصورات و تخیلات، ابهامات را حدس زد، آن را در داستان یا نمایشی طراحی و اجرا کرد و به صورت ذهنی شناخت. این شناخت می‌تواند با تصور والدین، سایر بزرگسالان یا خود نوجوان همراه باشد. برخی از نوجوانان از این خیالات بی‌نتیجه و مبهم لذت نمی‌برند و آن را ترک می‌کنند تا کمتر درگیری ذهنی داشته باشند و برخی این گفت‌وگوی درونی و پروراندن خیالات را امن‌ترین روش کشف درونی پاسخ‌هایشان می‌دانند. آن‌گاه که وجود شرم و ترس از پرسش مانع از جست‌وجوی فهم جنسی در کنش‌های متقابل شود و مسیر برساخت فهم از الگوهای بین‌فردی را مسدود کند، الگوهای درون‌روانی فعال‌تر می‌شوند و گفت‌وگو و تعاملی درونی شدت می‌گیرد. فانتزی‌سازی همچنین می‌تواند برای تصور عملکرد خود در لحظه باشد. نوجوان با تصورات و تخیلاتش کنش و واکنش خویش را حدس می‌زند و داستانی ذهنی را طراحی می‌کند. این الگوهای درون‌روانی گاه هم‌نوا با سناریوهای فرهنگی هستند و گاه به مخالفت با آن برخاسته و برساخته‌ای تجدید نظر شده هستند که سناریوها را به صورت ذهنی و اساسی می‌کنند. فانتزی‌ها محتوای ذهنی یا الگوهای منحصربه‌فردی هستند که بر تجربه‌زیسته، فهم و دانش و تاریخچه جنسی هر شخص مبتنی‌اند. آن‌گاه که نوجوان تحت‌تأثیر سناریوهای فرهنگی و آموخته‌هایش رابطه جنسی را ذاتاً خشونت‌بار و بی‌شرمانه می‌شناسد، فانتزی‌هایش نیز ممکن است مبتنی بر این تصور شکل گیرد و ترس و شرم در گفت‌وگوی درونی‌اش راه یابد.

کنجکاو می‌شدم که بیشتر مثلاً در مورد رابطه جنسی اگه متنی جایی بود بخونمش، بدونم مثلاً دلپیش چیه، به چه دردی می‌خوره، چطوریه، بعد مثلاً بعضی وقت‌ها فکر می‌کردم که مثلاً اولش باید چی کار کرد، بعدش باید چی کار کرد در موردش فکر می‌کردم (ر، ۱۴ ساله).

برای شناخت نبود، شاید بیشتر خیال‌پردازی برای این بود که آدم می‌خواد ببینه که تو موقعیت ببینه چه برخوردی می‌تونه بکنه. اگر چیزی می‌خواد بگه یا کاری می‌خواد بکنه و خیال‌پردازی می‌کنه که حالا اون کار رو انجام می‌ده، ولی شناختی از این طریق به دستم نیومد و بعد از مدتی هم دیدم که فکر کردن در موردش خیلی کار بی‌هوده‌ایه برام و سعی کردم که کمتر بهش فکر کنم که کمتر هم شد (غ، ۱۷ ساله).

هر انسانی سکسوالیته مربوط به خویش را دارد و منطبق بر عقاید، نگرش، باورها، افکار و کنش‌هایش به گونه‌ای منحصربه‌فرد سکسوالیته و فهمش از آن را برساخت می‌کند. در طول

زمان که فرد با منابع مختلف روبه‌رو می‌شود و فهم جدیدی به دست می‌آورد، همان‌گونه که از موانع فهم جنسی رد می‌شود یا در زمان مناسبی برای کسب دانش جنسی قرار می‌گیرد و از مرحله‌ای از چرخه عمر به مرحله دیگری قدم می‌گذارد، بازاندیشی می‌کند و فهم و نگرش ناقص یا غلطش را کامل‌تر و اصلاح می‌کند. این زمان‌مندبودن سکسوالیته است که به فرد کمک می‌کند از فهم تکه‌تکه رها شود، شرم و ترسش کاسته یا تمام شود و حتی از نوعی به نوعی دیگر تغییر یابد. اصلاح فهم موجب تغییر نگرش افراد می‌شود و مزایای فردی و اجتماعی را دربر دارد. اصلاح فهم در طول زمان به نوجوان می‌آموزد که دانسته‌های او هرگز کامل نیست و هنوز هم نادانسته‌ها و تکه‌های گم‌شده‌ای از پازل فهم وجود دارند.

فهمیدم که اگر مرد مشکلی داشته باشد، قبلاً ارتباط داشته، یا زن قبلاً تجربه ارتباط نامشروع داشته باشد چه مشکلاتی پیش می‌آید... فهمیدم اگر زن قبلاً با یه بیمار رابطه داشته باشه، زگیل تناسلی می‌گیره و مرد هم می‌تونه انتقال بده. می‌گم خیلی تحقیق کردم در مورد این چیزها و الانم به اینجا رسیدم. دیگه حالا می‌گم آدم باید تا می‌تونه بفهمه (ن، ۱۷ ساله).

نتیجه‌گیری

این پژوهش کیفی به دنبال پاسخ‌گویی به چگونگی فرایند فهم جنسی دختران نوجوان شهر اصفهان از کودکی تا زمان اجرای مصاحبه بود. با توجه به گستردگی این مفهوم، در این پژوهش بیشتر به شناخت و فهم از بدن، بلوغ و رابطه جنسی پرداخته شد. پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای، روش نمونه‌گیری هدفمند متوالی (شامل نمونه‌گیری گلوله‌برفی و نمونه‌گیری نظری)، و با تکنیک مصاحبه انباشتی اجرا شد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۲۴ دختر نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان بودند که در انتخاب آن‌ها به تنوع ویژگی‌ها توجه شد. درحالی‌که بخش زیادی از پیشینه تجربی در گروه‌های علوم پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی اجرا شده بود و مبتنی بر کسب نظر معلمان، والدین، مشاوران و روحانیان بودند، مهم‌ترین وجه تمایز این پژوهش، تمرکز آن بر خود نوجوانان، روایت و چگونگی فهم آن‌ها از منظر جامعه‌شناسی است. سؤالات مصاحبه نیز نه تنها بر زمان حاضر، بلکه بر فرایندی زمانی از کودکی تا کنون پرداختند.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، این فرایند را می‌توان در سه مقوله مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی (شامل مقولات خرد فهم اولیه هیجانی و ناباورانه و دغدغه علت وجودی رابطه جنسی)، سن‌محوری فهم جنسی (شامل مقولات خرد ذهن سفید پیش‌بلوغ، محوریت سن در فهم جنسی، تغییر فکر و کنش در پی تغییر دوره سنی)، ابهام‌زدایی از فهم جنسی (شامل مقولات خرد تخیل و فانتزی‌سازی جنسی، رعایت «اصل و غیره» در فهم جنسی، اصلاح و تکمیل فهم مبهم و نادرست اولیه به مرور زمان) خلاصه کرد که حاکی از تاریخ‌مندبودن

سکسوالیته است و مواجهه ابتدایی با آن و برساخت اولیه فهم، کسب اطلاعات جدید، بازاندیشی در تفکرات و نگرش‌ها و ادامه فرایند برساخت فهم تا کنون را روایت می‌کنند.

کودک در ابتدا ذهنی سفید دارد که از سکسوالیته بزرگسالان و بالغان دور نگه داشته شده است. وی به‌مرور در فرایند اجتماعی شدن براساس جنسیت خود با آموزش‌هایی برای پوشش، رفتار، نحوه صحبت، ارتباط با محارم و غیرمحارم، مراقبت از بدن و امثال آن آشنا می‌شود. این آشنایی مقدمه ورود به دنیای جنسی است. وجه بارز این نوع آموزش، برخورداری از اطلاعاتی است که برای وی مجاز شمرده می‌شود. در سیر چرخه زندگی، کودکان حتی اگر از آموزش‌های جنسی به دور نگه داشته شوند، در فرایند رشد به سمت نوجوانی با تغییرات جسمانی در بدن خود و دوستانشان مواجه می‌شوند. بخش بزرگی از این تغییرات مربوط به اندام‌های جنسی آنان است و فهم و شناخت این تغییرات برای آنان چالش‌برانگیز و مهم خواهد بود. یافته‌ها نشان داد که فهم کودک یا نوجوان از سکسوالیته، که همانند نموداری نرمال است، در مسیر رشد و گذار از مراحل چرخه زندگی وی برساخت می‌شود و به‌مرور آنچه از سوی بزرگسالان مخفی نگه داشته شده است برای او فاش می‌شود؛ در نتیجه، وی فهمی متفاوت با آنچه در گذشته آموخته بود را برساخت می‌کند؛ فهمی که سکسوالیته و دنیای جنسی بزرگسالان را با خشونت، بی‌شرمی، تعجب‌برانگیز و هیجان‌آور تفسیر می‌کند. فرایند بلوغ نقش مهمی در مرحله انتقالی در چرخه زندگی و فهم دنیای جنسی ایفا می‌کند. در این دوران، فرد مرتبه بالاتری از رشد شناختی و جسمانی را تجربه می‌کند و این رشد، فهم بهتر را ممکن می‌سازد. در همین مرحله از زندگی است که بلوغ فعلیت یافته است و رشد جسمانی و شناختی فرد را به مرحله نوجوانی هدایت کرده است که توانایی جنسی فرد نیز به رسمیت شناخته می‌شود. با پشت‌سر گذاشتن دوران بلوغ و شناخت رابطه جنسی، به‌عنوان مهم‌ترین و بارزترین وجه سکسوالیته بزرگسالان، از اوج هیجان در صحبت‌های جنسی مجدداً به‌مرور کاسته می‌شود.

برساخت فهم جنسی نوجوانان نشان‌دهنده کنش متقابل بین سه الگوی فرهنگی، بین‌فردی و درون‌روانی است. در مسیر این فرایند، نوجوانان متأثر از آموخته‌های فرهنگی و هنجاری هستند، با دیگران کنش متقابل دارند و همچنین با تخیلات و فانتزی‌سازی جنسی به کاوش و تصویرسازی شناخته‌ها و ابهامات می‌پردازند. ارتباط بین این سه نوع الگو می‌تواند در یک طیف دیده شود که در یک سر آن فرد با سکسوالیته هنجاری هم‌نواست، سناریوهای فرهنگی غالب را درونی می‌کند و در نهایت نگرش و کنش جنسی‌اش در همین راستا شکل می‌گیرد. در سوی دیگر طیف ممکن است نوجوان با انواع سکسوالیته‌ها آشنا شود و در روابط بین‌فردی و همچنین در ذهن خود سناریوی فرهنگی غالب را زیر سؤال برد و به دنبال واسازی آن در زندگی خویش باشد. از این‌رو، علاوه بر اینکه سناریوهای فرهنگی غالب نوعی سکسوالیته هنجاری را تعریف و تبلیغ می‌کنند، فردیت و عاملیت کنش‌گران اجتماعی موجب می‌شود که

آنان سکسوالیته منحصر به فرد خود را نیز داشته باشند. در نتیجه، به ازای هر فرد یک سکسوالیته منحصر به فرد و خاص وجود دارد که در طول زمان بر ساخته می شود و با سیالیتی که دارد تغییر می پذیرد و تکمیل و اصلاح می شود.

اصلاح فهم در طول زمان به نوجوانان می آموزد که دانسته های آن ها هرگز کامل نیست و هنوز هم تکه های گم شده ای از پازل فهم وجود دارند که نیازمند شناخته شدن هستند. از این رو، هر چه نوجوانان فهم کامل تری را بر ساخت می کنند، قائل به ناکافی بودن فهم کنونی و نیاز به شناخت بیشتر دنیای جنسی هستند. از سوی دیگر، این فرایند تقویت فهم بر ساخته شده و چالش های پشت سر گذاشته شده موجب می شود نوجوانان خواستار فهم جنسی کامل و مناسب مبتنی بر مراحل چرخه زندگی باشند و آن را حق خود بدانند؛ کسب یکباره فهم از سوی نوجوانان درخواست نمی شود، بلکه آنان معتقد بر نیاز به فهم جنسی در یک مرحله پایین تر و زودتر از زمان مورد نیاز در موقعیت تعریف شده هستند؛ مثلاً فهم کارکرد بدن در سیکل ماهانه، چگونگی رخداد قاعدگی و علت آن، شناخت انواع وسایل مورد نیاز برای مراقبت از خود در این دوران و چگونگی استفاده از آن ها، عادی سازی قاعدگی برای کل جامعه و اختصاص این آموزش ها در دوره دبستان و پیش از رخداد قاعدگی. همچنین آموزش چیهستی و چرایی مقاربت، هویت و گرایش های جنسی، بیماری های جنسی و مقاربتی، مدیریت روابط عاطفی و جنسی، پیش بینی و شناخت موقعیت های خطرناک که به بروز خشونت جنسی و تجاوز منجر می شود و مانند آن نیز برای دوران متوسطه اول و دوم مورد تأکید است. بهره بردن از آموزش جامع و علمی در مدرسه به این دلیل که می تواند بدون محدودیت در دسترس همه کودکان و نوجوانان محصل باشد، مورد توجه دختران نوجوان است. علاوه بر این، تداوم و پیوستگی در آموزش و افزایش فهم جنسی برای نوجوانان بسیار حائز اهمیت است و آنان این فرایند را در دوران تحصیل در دانشگاه نیز لازم می دانند تا همیشه با جوانی از دنیای سکسوالیته آشنا شوند و کنش ها، نگرش و تفکرات جنسی خود را اصلاح و مدیریت کنند. در نتیجه، اگر چه نوجوانان همانند سناریوهای فرهنگی سنتی در جامعه به اهمیت مراحل چرخه زندگی در فهم جنسی قائل هستند، مرز بندی این مراحل برای آنان تغییر یافته است و فهم هر مرحله را در یک مرحله قبل تر درخواست می کنند تا در زمان مقتضی با دانش و درایت کافی عمل کنند.

پیشنهادها

- توجه جدی بر ارائه آموزش جنسی علمی و متناسب با سن در سطوح مختلف تحصیلی و تدوین کتابچه راهنما؛
- اجرای مطالعات جامعه شناسی بیشتر بین دختران و پسران در دوره های مختلف سنی از کودکی تا بزرگسالی؛

- تدوین برنامه‌های لازم جهت مهارت‌آموزی والدین جهت چگونگی آموزش به فرزندان خود متناسب با جنسیت و سن آنها؛
 - آگاه‌سازی نوجوانان پیش از تجربه هر فرایند یا کنش جنسی: از جمله آموزش چگونگی فرایند بلوغ برای اواخر دوره دبستان و متوسطه اول و همچنین آموزش نکات لازم در مورد رابطه جنسی، مدیریت ارتباطات و مهارت‌های ارتباطی، بیماری‌های مقاربتی و همانند آن به جهت کاهش آسیب‌های نوجوانان در زیست جنسی خود و در روابط پرخطر؛
 - تدارک یک صندوق پیام معمولی یا الکترونیکی جهت دریافت سؤالات دانش‌آموزان در مدرسه به صورت ناشناس و پاسخ‌گویی علمی به صورت هفتگی از سوی مشاور بهداشت مدرسه.

منابع

- [۱] احمدگلی، کامران؛ سیدجلالی، بدری (۱۳۹۰). «معناشناسی چارچوبی و تأثیر الگوهای فرهنگی در ترجمه ادبی، بررسی موردی ترجمه رمان فرانی و زویی، اثر جی. دی. سلینجر»، نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۳ (۶)، ص ۲.
- [۲] افشاری، پوراندخت؛ پژوهیده، زهرا؛ یزدی‌زاده، حمیده و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی نیازهای آموزشی دختران ۱۴-۱۱-۱۴ ساله درباره سلامت جنسی»، پرستاری و مامایی جامع‌نگر، سال ۲۵ (۷۹)، ص ۹-۱۹.
- [۳] الفتی، فروزان؛ علیقلی، سمیه (۱۳۸۷). «سنجش نیازهای آموزشی دختران نوجوان پیرامون بهداشت باروری و تعیین راهبردهای مناسب برای تأمین آن در قزوین»، مجله دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۲(۲)، ص ۷۶-۸۲-۷۶۸۲.
- [۴] رحمانی، احسان؛ عارفی، مختار؛ افشاری‌نیا، کریم؛ امیری، حسن (۱۳۹۸). «طراحی بسته آموزشی تربیت جنسی نوجوانان مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اثربخشی آن بر خودپنداشت دانش‌آموزان متوسطه اول»، مجله علوم روان‌شناختی، ۱۸(۷۹)، ص ۸۳۹-۸۴۹.
- [۵] زارع، محمد؛ ملک‌افضلی، حسین؛ جندقی، جعفر و همکاران (۱۳۸۴). «تأثیر آموزش مسائل بهداشت بلوغ بر آگاهی، نگرش و عملکرد دختران ۱۲-۱۴ ساله»، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۱۴ (۵۶)، ص ۱۸-۲۶-۱۸.
- [۶] سیمبر، معصومه؛ علیزاده، شیوا، حاجی‌فقه‌ها، محبوبه؛ گل‌گذار، سمیرا (۱۳۹۵). «مروری بر نیازهای آموزشی بهداشت باروری و جنسی نوجوانان ایرانی»، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ۳۴ (۴۱۲)، ص ۱۵۷-۲۶۳.
- [۷] شکور، مهسا؛ یمانی، نیکو؛ احسانپور، سهیلا؛ علیزاده، شیوا (۱۳۹۵). «نیازسنجی کیفی بهداشت باروری در دوران نوجوانی»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۲۱ (۸)، ص ۸۱۶-۸۲۹.
- [۸] فوکو، میشل (۱۳۹۸). /اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چ ۱۵، تهران: نی.
- [۹] لطیف‌نژاد، رباب؛ جوادنوری، مژگان؛ حسن‌پور، مرضیه؛ هزاوه‌بی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۱).

- «ضرورت آموزش سلامت جنسی به دختران نوجوان در ایران: یک مطالعه مطالعه کیفی»، مجله زنان، مامایی و نازایی، ۱۵ (۱۲)، ص ۷-۱۷.
- [۱۰] میرزایی نجم‌آبادی، خدیجه؛ بابازاده، راحله؛ شریعتی، محمد؛ موسوی، عباس (۱۳۹۳). «دختران نوجوان ایرانی و اطلاعات و خدمات بهداشت باروری و جنسی: یک مطالعه کیفی»، مجله زنان، مامایی و نازایی، ۱۷ (۹۲)، ص ۹-۱۸.
- [۱۱] نوری سیستانی، ملیحه؛ مرقاتی خویی، عفت‌السادات (۱۳۸۸). «تأثیر شیوه آموزشی مبتنی بر گروه همسالان بر عملکرد جسمی بهداشت بلوغ دختران»، مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۱۲ (۴)، ص ۱۲۹-۱۳۵.
- [۱۲] یزدانی، سمیه؛ شگفتی، نادره (۱۳۹۸). «تأثیر آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز»، دوفصل‌نامه مشاوره کاربردی، ۸ (۲)، ص ۹۳-۱۰۸.
- [13] Beres, M. A. (2014). "Points of Convergence, Introducing Sexual Scripting Theory to Discourse Approaches to the Study of Sexuality", *Sexuality & Culture*, 18, PP 78, 83.
- [14] Charmaz, k. (2014). *Constructing Grounded Theory*, 2nd edition. Los Angeles, London, Dew Delhi, Singapor, Washington DC, Sage publications, PP 12, 57-79.
- [15] Davies, C and Roberson, K. (2010). "Hatching Babies and Stork Deliveries: risk and regulation in the construction of children's sexual knowledge", *contemporary issues in early childhood*, 11(3). P 249.
- [16] Fox, G. L. (1980). "Patterns and Outcomes of Mother-Daughter Communication About Sexuality", *Journal of Social Issues*, 36(I). PP 7-29.
- [17] Fox, G. L. (1980). "The Mother-Adolescent Daughter Relationship as a Sexual Socialization Structure: A Research Review", *Family Relations*, 29(1). PP 21-28.
- [18] Gagnon J. H and Simon, W. (1986). *Sexual scripts, Permanence and change*, *Archives of Sexual Behavior*, 15(2). PP 98, 115.
- [19] Gagnon, J. H and Simon, W. (1973). *Sexual Conduct, The Social Sources of Human Sexuality*, London and New York, Routledge, P 136.
- [20] Gagnon. J. H. (2004). *An Interpretation of Desire, Essays in the Study of Sexuality*. Chicago, I. L, The University of Chicago Press, PP 68-69, 117-118, 136, 139, 140-141, 273.
- [21] Gansen, H. M. (2017). Reproducing (and Disrupting) Heteronormativity: Gendered Sexual Socialization in Preschool Classrooms, "Sociology of Education", 90(3), PP 255-272.
- [22] Greenberg, B., Bruess, S and Oswalt, B. (2017). *Exploring the Dimensions of Human Sexuality*, Sixth edition, Burlington, MA, Jones & Bartlett learning Publication, P 4.
- [23] Irvine, J. M. (2003). Introduction to "Sexual Scripts, Origins, Influences and Changes", *Qualitative Sociology*, 26(4), P 489.
- [24] Kour Toor, K. (2012). "A Study of the Attitude of Teachers, Parents and Adolescents Towards Sex Educations", *Journal of Educational Studies, Trends & Practices*, 2(2), P 178
- [25] Long Laws, J. (1975). "Age and Sex", *Contemporary Sociology*, 4(3), P 227.
- [26] Raffaelli, M and Ontai, L. L. (2001). "She's 16 years old and there's boys calling over to the house': an exploratory study of sexual socialization in

- Latino families”, *Culture, Health & Sexuality*, 3(3), PP 295–310.
- [27] Rahma, M., and Karawang, S. K. (2019). “The Relation between Sexuality Knowledge and Sexual Behavior of Adolescents”, 1st International Conference on Administration Science (ICAS). *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 343, PP 322-326.
- [28] Regnerus, M. D (2005). “Talking about Sex: Religion and Patterns of Parent–Child Communication about Sex and Contraception”, *The Sociological Quarterly*, 46, PP 79–105.
- [29] Sevilla, T. M., Sanabria, J. P., Orcasita, L. T and Palma, D. M. (2016). “Consistencies and Discrepancies in Communication Between Parents and Teenage Children About Sexuality”, *Paidéia*, 26(64), pp 139-147.
- [30] Simon, W and Gagnon, J. H. (1969). “On psychosexual development”, *Springer*, 6(5), p 63.
- [31] Simon, W. (1996). *Postmodern Sexualities*, London and New York, Routledge, P vi.
- [32] Weeks, J. (2018). *Sex, Politics and Sexuality, The Regulation of Sexuality Since 1800*, Routledge, London and New York PP 15-16.

